

اصول الحساب  
 حفظ در حواصی حوزة العادة  
 کاتب سعید میرزا  
 هما خطای از این هر روز در خط می آید

ذکر و نیک هوای و مشرق  
 استقامت صریح و در  
 مستم و خلف و  
 آملت

۷۴۶  
 —————  
 ۲۱۱۱۳

کتابخانه  
 مجلس شورای اسلامی  
 خطی  
 کیرم زاره ۷۴۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
 استادی  
 محمد علی کریم زاده  
 ۱۳۲۷

۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب نصاب الصیاح



مؤلف

موضوع

شماره اختصاصی (۷۴۲) از کتب اهدایی: یکم زاده

شماره ثبت کتاب

جمهوری اسلامی ایران

ذکر و نکت هوان و هوان و هوان  
 اشتغال و ضاعت و وضع  
 استکانت وضع و زاری  
 قسم و حلفه و عن سوکند  
 اهل ذمه و زهاره  
 حرمان موقوف میبدی  
 بطلان بیکاری  
 اعه سکت لای

۷۴۶  
 ۲۱۱۱۳

سازمان مجلس شورای اسلامی  
 اهدایی  
 مستحق کریم زاده  
 ۱۳۷۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب نصاب الصیاح



مؤلف

موضوع

شماره اختصاصی (۷۴۲) از کتب اهدایی: یکم زاده

شماره ثبت کتاب

جمهوری اسلامی ایران

ذکر و نکت هوان و هوان و هوان  
 اشتغال و ضاعت و وضع  
 استکانت وضع و زاری  
 قسم و حلفه و عن سوکند  
 اهل ذمه و زهاره  
 حرمان موقوف میبدی  
 بطلان بیکاری

۷۴۶  
 ۲۱۱۱۳

سازمان مجلس شورای اسلامی  
 اهدایی  
 مستحق کریم زاده  
 ۱۳۷۷

۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰

کتاب الکنز  
در طب  
کتاب الکنز  
در طب  
کتاب الکنز  
در طب

حرف پسته خراساوری  
صرب و جلدت و عضو  
ترکازان و هندو و بیاری  
دعوت مع است جزیه سس کرب  
فدوت و می است و ستم و  
عرف خوشوی معوه  
مسک مشک و بیاغه  
الحار و الحسوی

کتاب الکنز  
در طب  
کتاب الکنز  
در طب

فلسف کانه اش داو کا فوسک اش دان  
هسوطک و صلب و عود و لایا  
المنعت صر زحمت بلاهت و وقت  
کمان و عطا و شش و صیحت و رسوا  
الثانی و الحسوی و الحار و الحسوی  
از مشک زرد زده بر صفت همن  
جنت از رخ و لبک ذک با کلسکه  
مفعول فاعلان مفاعیل فاعلان

اینست نسخ همن کون  
به اول کون

اینست نسخ همن کون  
به اول کون















التسعة في السبعة السيامية

برفلك هفت كوكب سياد  
أفيد خدای عز وجل  
فمست وعطا يد و همن  
شمس و مریخ و مشتری و زحل

السبعة السيامية في السبعة السيامية

كوكبه و تیر و ناهید میدان  
چو خورشید و بصر و ام و کوا

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية  
السبعة السيامية

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية

غراب باغ و هزار بست و عدلی لکنت

فلمام و کرمی کونست کلک

فست آمد و طرفا کرمی و اعرف

چنانکه تعان سراج ازها قند

مسلمه بنجه سوکند ان حیدر جل

ایل شتر قنطیرست و عرسک

فقاهاه دائر و کانی بسند و طبع عرسک

ذلیل خوار و عزیز جند و قوه

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية

السبعة السيامية  
في السبعة السيامية

اَهْمَانِي وَاسْتَمُو فِي مَادِلِ السَّبْعَةِ السَّارَةِ

اَوَيْتَ دُورِي وَمَلَك  
وَالنَّكْه نَه اَوَيْتَ دُورِي وَمَلَك  
بِكُو مَاه وِبَرْد وِوِي سَت  
باز ناهيند رسي ميس سَت  
شمنس چرخ چاروست مدام  
هچو چرخ پنجمين بهرام  
ششمين چرخ مشري مردان

بلکه هرگاه بود از دست مملکت او طبعه از طبعه است  
مردم کی از چرخ کب قلمی در ده شادانان که از وقت شادانان  
از عطا به و به از دست مملکت او طبعه از طبعه است  
و به دست مملکت او طبعه از طبعه است  
باز ناهیند رسي ميس سَت  
شمنس چرخ چاروست مدام  
هچو چرخ پنجمين بهرام  
ششمين چرخ مشري مردان

صغیر خوری کسیری فلر کانی سحر لاجو  
ذبت دبت و لغت بازی طلب حسن خیر  
غار رخ و سارفت جلافتی و بکا کر به  
خفت سبل و خفت سر و وصی است و صحت افغان  
غری غنا و غنا و غنضه و لیک و لیک  
ز دل کله و سن و خط و مطا است و فخر کانی  
توفقه و وفا قله و سبب سبب و پیدا  
چونکه در وقت بال است و لو و به و نکشا

صغیر خوری کسیری فلر کانی سحر لاجو

ذبت دبت و لغت بازی طلب حسن خیر

غار رخ و سارفت جلافتی و بکا کر به

خفت سبل و خفت سر و وصی است و صحت افغان

غری غنا و غنا و غنضه و لیک و لیک

ز دل کله و سن و خط و مطا است و فخر کانی

تغین کنیدی و نکفت بخروی دهان با

صنایکت و در فو کند بعل نخوع نیکو

لغز احمی که چستان ان سه طوره فقا

بویایی که کویست و کجی صوب جان چکا

**الثامن والاربعون في بحر الزج**

ای ماه روی خرمی وی این شین زبان

خوشید و یاز شده دککت و زردیا

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

لینت نقتیع رخ برخوان و بیل کهرنا

طوره و جمل طوم و علم که هست فوا این

طوم و غسل آری و زین شهادت و جان

میزان ترا و حال او و فر خورای بود

فلاک و سفینه جاری کشتی و زین زبان

لوح و سناک و جوهوا و مکلان و فطالی

شاخ بلند و فله سر و لاج و سلم زبان

جسم و حسد و شخص و طلل هوا و جمان و بد

Handwritten marginal notes in the top right corner, including a date: ۱۲۹۰

Handwritten marginal notes in the bottom right corner, including a date: ۱۲۹۰

Small handwritten notes at the bottom of the left page.

و در این کتاب  
در بیان  
و در بیان

کفتم اینست سخن ای نه پیا  
من و عن زالی و حسی تا  
این کو کیف چون املو یا  
فی دست و حل برو که چند  
سخن نا ایشک و انا ما  
انتم و کرم ما و ا این مرد  
انست توانست زن ولی نه  
ا نا چون اتی و ایست من

کفتم اینست سخن ای نه پیا  
من و عن زالی و حسی تا  
این کو کیف چون املو یا  
فی دست و حل برو که چند  
سخن نا ایشک و انا ما  
انتم و کرم ما و ا این مرد  
انست توانست زن ولی نه  
ا نا چون اتی و ایست من

قرا بخا و هندا اینجا  
 ذی و هندی و هندی این زن  
 مرد را داد او دست با هندا  
 نیک آن زن چو ذلک آن مرد  
 حتی پیشاب چون اعمالیا  
 مذمومند از آن زمان بازست  
 اینها و ایبه دور شو بیفرا  
 مهلا اهنه باش و اهانو

ما حه و چلیست من که و مع با  
 اینها هجو حیث ما هرجا  
 منه مکومه مکن دع و در ما  
 لم ولتانه و هلم ربیا  
 غیر جز قطره کز اینضایت  
 رب و ربنا و ربنا ربنا  
 قرا بازست و مازانکه یاد

قرا بخا و هندا اینجا  
 ذی و هندی و هندی این زن  
 مرد را داد او دست با هندا  
 نیک آن زن چو ذلک آن مرد  
 حتی پیشاب چون اعمالیا  
 مذمومند از آن زمان بازست  
 اینها و ایبه دور شو بیفرا  
 مهلا اهنه باش و اهانو



بزرگوار است که در این کتاب  
و کتب دیگر از این نوع  
و کتب دیگر از این نوع

روایی و نصف عدل و صورتی  
حصصه روعوز و کحل و هفت  
بقاع و ربوه و کحل و کحل  
طعام خوردنی و کحل و کحل  
از ریخ و سیرق شور یا قلوبار  
قصیده مغز طهرت و زرد  
قدیدان و سیرق و طویل دراز  
مخیزد و غلبه و کحل و کحل

بزرگوار است که در این کتاب  
و کتب دیگر از این نوع  
و کتب دیگر از این نوع

بزرگوار است که در این کتاب  
و کتب دیگر از این نوع  
و کتب دیگر از این نوع

کراغ یا چوبین و بصل و پودر  
سیند و در که نان سفید و کحل  
زغیف که در مویله است و لند انان  
قطیع دران و نه جلدی و غاوی  
چنانکه مغز بر وضان پیش و کحل  
ابوالمسلح و کحل و کحل  
چو کسر که در خون صفر جرح و کحل  
صغیر خورد و جبار و شواط و کحل

بزرگوار است که در این کتاب  
و کتب دیگر از این نوع  
و کتب دیگر از این نوع  
بزرگوار است که در این کتاب  
و کتب دیگر از این نوع  
و کتب دیگر از این نوع

بزرگوار است که در این کتاب  
و کتب دیگر از این نوع  
و کتب دیگر از این نوع



Handwritten marginal notes at the top of the right page, including the date 1085 and other illegible script.

حدید نیز و مسخیر فسان و مفتح کا  
تکرست و وضوایت تک غیر  
بیت فیلہ و کعبہ احسن صلو  
عطاس عطس عکولاع و جلد  
جان و ہمار و ہمدان بیدل و سنج  
علامہ کل و وجہ اشکان بود  
ضمیر و فکر و اندیشہ و سیر و سیر  
توشل و لطف و مجل و سلسل و فحہ

خدا و بکر و بامداد و فجر و غروب و شام  
الکل و قفیا و انطی اسلم و یاق  
فصدان و کما کند و رہم و لیسہ و لم  
**الفطعنا الحامسہ**  
کل غیجہ زشمہ دہنت در سنست  
و ذکر د رخت نام کل یعطسنت  
مفعول مفاعل مفاعیل و رفع  
بہر جیب اکثر تالین و کرسنت

Handwritten marginal note on the left page, partially overlapping the main text.

نصر وعقب من سجاد فرست  
 اینها هر جلیست و جهای شریست  
**القطعة السابعة**  
 از دواعی اینی حکما الله علیه و آله  
 ای ماه رخ خرد که می محلیست  
 ملک دل من ترا شد یک فله  
 مفعول مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
 بحر هجرت مر ترا مغتنم  
 نه جفت بوی کپاک بود نداهمه

بدعايشه و خدیجه محترمه  
 با امر حیمیه حفصه بود زین  
 میمونه صقیه سوره امر سله  
**الف بیا ان الکریم الموهلک**  
 نشنوا ی عزیز من مه افلاک  
 و ذک بحر خفیف روشن و پاک  
 فاعلان مفاعیلن مفاعیلن  
 در دهایی که روست دل غمناک

Marginal notes in the left margin, including a large heading **نسخه** and various lines of text in smaller script.

حَسَنٌ وَلَا عَيْبٌ وَأَعْيَابِي  
 خَدْرِي وَمَمْدِي وَجِيكَالِي  
 نَاحِسٌ وَنَحْوُهُ كَاسِرٌ وَضَائِعٌ  
 وَإِنْ مَفْتِيحٌ كَرُوْعَصَلٌ شُجَاكِي  
 صَبْرَانٌ وَثَقِيلٌ ثَابِتٌ بَارِي  
 وَأَزْمَسَكِي كَرُوْسٌ أَجْرَانِ هَلَاكِي  
 اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَوْلَادِى لَيْسَ لَكَ  
 دَرَسِيْنَهُ وَبِجُوْحَارِهِ اَنْتَ كَرِيْمِي

وَزَيْغِ خَفَاهاى نُودِلِ دَرِيْبِي  
 مَفْعُوْلٌ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِيْلُنْ فَاْعِي  
 كَجَرْهَجِ اَخْرَبِي اِنْ يَنْفَسِيْمِي  
 فَرَزْدِيْ فَاْسِمٌ وَاَبْرَهِيْمِي  
 لَسَطِيْبٌ وَطَاهِرٌ زَرْهٌ لَعْظِيْمِي  
 بِاَفَاطِيْهِ وَرَقِيْبِهِ اَمْرٌ كَلْمِي  
 زَيْدِيْ شَمْرِيْ تَرَاوِيْرٌ لَعْلِيْمِي  
 اَللّٰهُمَّ فَاِلسْتَعِيْنُ نَزَلَ اَلْفَرَاغِيْمِي

حَسَنٌ وَلَا عَيْبٌ وَأَعْيَابِي  
 خَدْرِي وَمَمْدِي وَجِيكَالِي  
 نَاحِسٌ وَنَحْوُهُ كَاسِرٌ وَضَائِعٌ  
 وَإِنْ مَفْتِيحٌ كَرُوْعَصَلٌ شُجَاكِي  
 صَبْرَانٌ وَثَقِيلٌ ثَابِتٌ بَارِي  
 وَأَزْمَسَكِي كَرُوْسٌ أَجْرَانِ هَلَاكِي  
 اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَوْلَادِى لَيْسَ لَكَ  
 دَرَسِيْنَهُ وَبِجُوْحَارِهِ اَنْتَ كَرِيْمِي



لعلته قدسك انك من طائر كركي  
التي قدسك من طائر كركي  
التي قدسك من طائر كركي

تَجِسَّتْكَ صُطْفِي هَفَّتْ قَلْعَهُ

خَدَائِشُ بِلْدَادِ آيْخَانِ مُلْكِ سَلَامِ

كُسَيْبَةُ بَدُونَا عَمَّ وَشَقَّ وَأَنْكَرَ

فَوْصِ وَنَطَاةٍ وَسَطِيحِ وَكُلَامِ

أَتَلْنَا وَالْعَشِيرَةَ بِإِيْنِ سَهْوِ الرُّومِ

بِدَانِ كَلِكِ رُوبِيْنِ سَجُونِ بَهَارَتِ

هَجَّجَ بَحْرَ رَوَانِ نَامِدَارِ سَبْتِ

مَفَاعِيْلُ مَفَاعِيْلُ مَعُولِ

دِيكِرُ فُضَالِهِ أَنْكَه نَسْعُ فَرْهِيهِ

تَوْبَانِ رِيَّاحِ وَصَاحِ وَوَلَدِ كِيَارِ

بُورِافِعِ وَضَمِيرِ وَكَبِيْهِ مَوْنِيهِ

الْمَخَارِقِ وَالْمَقَرِّ فِي فَلَاحِ الْبَحْرِ وَرَبِي سَعْدِ

زَهِي كَيْتَهُ مَلَهَمُ بِالْمَاءِ لِهَيْمِ

مَلِكِ بَرْقَلِكِ خَوَانِكِ مَدِيحِ تُوْدِيْمِ

مَعُولُ مَعُولُ مَعُولُ مَعُولُ

بِحَقِّقَارِبِ سَجُونِ أَيُّ مَعْلَمِ

كلام بقصص من طائر كركي  
وان لعلته قدسك انك من طائر كركي  
التي قدسك من طائر كركي

ان سجون است مخرج سعادته ان سجون  
الذي است مخرج سعادته ان سجون  
الذي است مخرج سعادته ان سجون

ان طغى را حوت را من سجون  
وهو من سجون را حوت را من سجون  
وهو من سجون را حوت را من سجون



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

نافع مدني ابن كثير از سكه

بوعمر و زبير بن عاصم از سكه

پس عامر و تيمم و كساينى

ابن سبكت جمله شان يورده اند

الذائق والاكهون في الساقى قبايل سبنا

اشعر و عمر و حنبل و هلالان

مرو و انبار و امه زيبك

ابن جين بفعهاى بانزك

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

جنت ثابى و ممر صياك

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

هشتاد و هفت خمر قسنت آنكه اندك فارانى

انبا مورب شى اندر اين معر معان

بشواكونا كذا مند آه و و باكر

ناها و صاد و ضا و ط و ط و ط و ط

الذائق في الساقى محالين انشاء

ده نام لانه امده در وضع ديكران

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

دو ديميز بلان اردو زفا سورا  
شوتخل انوزافى وهم ارمند  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

هذه نسخة من كتاب  
الطب النبوي  
الذي كتبه  
الشيخ  
الطاهر بن عبد الله  
البيضاوي  
في سنة  
الجمادى الأولى  
سنة  
الفرج  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية

هذه نسخة من كتاب  
الطب النبوي  
الذي كتبه  
الشيخ  
الطاهر بن عبد الله  
البيضاوي  
في سنة  
الجمادى الأولى  
سنة  
الفرج  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية

هذه نسخة من كتاب  
الطب النبوي  
الذي كتبه  
الشيخ  
الطاهر بن عبد الله  
البيضاوي  
في سنة  
الجمادى الأولى  
سنة  
الفرج  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية

هذه نسخة من كتاب  
الطب النبوي  
الذي كتبه  
الشيخ  
الطاهر بن عبد الله  
البيضاوي  
في سنة  
الجمادى الأولى  
سنة  
الفرج  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية

هذه نسخة من كتاب  
الطب النبوي  
الذي كتبه  
الشيخ  
الطاهر بن عبد الله  
البيضاوي  
في سنة  
الجمادى الأولى  
سنة  
الفرج  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية

هذه نسخة من كتاب  
الطب النبوي  
الذي كتبه  
الشيخ  
الطاهر بن عبد الله  
البيضاوي  
في سنة  
الجمادى الأولى  
سنة  
الفرج  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية  
التي  
توافق  
سنة  
الذو القعدة  
السنوية

**الحاكيك والادوية في اول ان الامانات**

وزكوزكوز نادا مبعي خاير  
چوسر سطر اطق بالوده مسر يور  
وتاهو اعرست اما انان مامو  
عجل كوساله وليكن جحش وثلج حرك  
زر وى حقه هفنا ويكده  
چل وششراست زاريزي وششرا  
ذهبتك و سرچه ونه آهن  
برج وپسجل وپنجت و نقره پچه وچلا  
روزت سر كين است ليكن فرزان كوز  
منظر روي و ان سنجل ايتنه  
هچو صلي سنان و مومندان و صلا و نون

زر وى حقه هفنا ويكده  
چل وششراست زاريزي وششرا  
ذهبتك و سرچه ونه آهن  
برج وپسجل وپنجت و نقره پچه وچلا





هَنْجُو كَافَتْ وَلِيدِ زَهْرَةَ بِالْأَنْزِ

مَقُودًا فَاسْرَتْ وَعَلَيْقَهُ نُورٌ

حِضْبَانِ طَانٍ وَمَارِجِ النَّسْرِ وَنَارِجِ

طُوفِ اسْبِ كُوهِي هُرُوفِي وَنُورِي بَاسِكِي

السَّلاَئِي وَالْحَمْسُونِ فِي بَحْرِ الْمَضَارِعِ

أَي بُرْهَ مَهْرَازِمَهُ رُوي نَوْمَ شَعْلَهُ

مَرَكِسْتِ نَابُ رُوي تَوَكَّرَدُ مَفْأَلَهُ

مَفْعُولِ وَفَاعِلَاتِ وَمَفَاعِيلِ وَفَاعِلَاتِ

این بیت در کتاب الفیه در باب الف و کاف آمده است و در کتاب الفیه در باب الف و کاف آمده است و در کتاب الفیه در باب الف و کاف آمده است

بَحْمُضَارِ هَسْتِ سَحَابِ حُورِ مَعْلَعَهُ

خَارِجِ بَرُوجِ نَجْمِ وَرُخْوَ مَجْلَعَهُ

دَاخِلِ رُوقِ طَبِيقِ نَرُوضِ مَضَارِعِ

مَدَاوِعِ هِنْدِ دَانِ وَبَطْنِ خَرَمِ

حُورِ كَعْبَتِ كَاكِبِ وَوَقُوفِ كَلْبِ بِلَالِهِ

مَفْعُولِ حُورِ مَضَارِعِ وَنَجْمِ مَضَارِعِ

مَفْعُولِ مَضَارِعِ وَوَقُوفِ مَضَارِعِ

جَمْعُ مَضَارِعِ وَوَقُوفِ مَضَارِعِ

بَحْمُضَارِ هَسْتِ سَحَابِ حُورِ مَعْلَعَهُ  
خَارِجِ بَرُوجِ نَجْمِ وَرُخْوَ مَجْلَعَهُ  
دَاخِلِ رُوقِ طَبِيقِ نَرُوضِ مَضَارِعِ  
مَدَاوِعِ هِنْدِ دَانِ وَبَطْنِ خَرَمِ  
حُورِ كَعْبَتِ كَاكِبِ وَوَقُوفِ كَلْبِ بِلَالِهِ  
مَفْعُولِ حُورِ مَضَارِعِ وَنَجْمِ مَضَارِعِ  
مَفْعُولِ مَضَارِعِ وَوَقُوفِ مَضَارِعِ  
جَمْعُ مَضَارِعِ وَوَقُوفِ مَضَارِعِ

بَحْمُضَارِ هَسْتِ سَحَابِ حُورِ مَعْلَعَهُ  
خَارِجِ بَرُوجِ نَجْمِ وَرُخْوَ مَجْلَعَهُ  
دَاخِلِ رُوقِ طَبِيقِ نَرُوضِ مَضَارِعِ  
مَدَاوِعِ هِنْدِ دَانِ وَبَطْنِ خَرَمِ  
حُورِ كَعْبَتِ كَاكِبِ وَوَقُوفِ كَلْبِ بِلَالِهِ  
مَفْعُولِ حُورِ مَضَارِعِ وَنَجْمِ مَضَارِعِ  
مَفْعُولِ مَضَارِعِ وَوَقُوفِ مَضَارِعِ  
جَمْعُ مَضَارِعِ وَوَقُوفِ مَضَارِعِ

بَحْمُضَارِ هَسْتِ سَحَابِ حُورِ مَعْلَعَهُ  
خَارِجِ بَرُوجِ نَجْمِ وَرُخْوَ مَجْلَعَهُ  
دَاخِلِ رُوقِ طَبِيقِ نَرُوضِ مَضَارِعِ  
مَدَاوِعِ هِنْدِ دَانِ وَبَطْنِ خَرَمِ  
حُورِ كَعْبَتِ كَاكِبِ وَوَقُوفِ كَلْبِ بِلَالِهِ  
مَفْعُولِ حُورِ مَضَارِعِ وَنَجْمِ مَضَارِعِ  
مَفْعُولِ مَضَارِعِ وَوَقُوفِ مَضَارِعِ  
جَمْعُ مَضَارِعِ وَوَقُوفِ مَضَارِعِ

توضیح در خصوص کلمات  
و عبارات که در این کتاب  
مورد استفاده قرار گرفته است

املاک مغجای وی و حجی کله  
طاول و خاص زرد و قیل شریک  
از غروسی جلدی نطفه الله  
وضع آن بجه که آخر طهر بود  
بیر آنکه باز کونه بیاید بباله  
ملاح ناخدا و رفل تیر کشی است  
مخلاف پل کشی و مزی بود که  
بیطوخ پخته و مغز کفکیر و کور

توضیح در خصوص کلمات  
و عبارات که در این کتاب  
مورد استفاده قرار گرفته است

اشقیه دینک پای و طنجیر باله  
**التابع والخمس**  
رضف طعن خوست زده بر نفس  
بیت غنچه را کرده خون در جگر  
فعلون فعلون فعلون فعلون  
تو این بگردانک شفاوت شمس  
و جزو و ملخص بود مختصر  
اسوی جراحی امی الامرکز

توضیح در خصوص کلمات  
و عبارات که در این کتاب  
مورد استفاده قرار گرفته است

مخرج کلمه صحت و کمال

کاتن و کات و کاتی کتا  
و کتی معنی کنه اندری  
ایا وهیای ویا هچنان  
چو یا ایست ای بودای پسر

آدم و الحزن از بحر الخفیف

ای فلت سر و رخ کل عرنا

کل نه روی نودر عز و زحیا

فعلن مفاصلن فعلاک

کلمه ایست در بیان فطرت  
مفصل از ای کلمات و فطرت  
از بیست کلمه است

کتابخانه امیر کبیر  
اهدایی  
مستوفی کریم  
۱۳۷۷

کتابخانه  
ازاد  
۱۳۷۷

